

۱۷۰۴۷

قدس ۱۶ مهر ۱۳۸۶

نگاهی به راهکارهای قرآنی انسجام اسلامی؛ سعادت در سایه ساز وحدت

محمد حاحی اسماعیلی

مقدمه: از جمله عوامل مهم و حیاتی برای ایستادگی در برابر دشمنان و پدخواهان نظام و کیان اسلامی، وحدت امت اسلامی است. قرآن کریم به عنوان بهترین مادی وحدت و انسجام، این عنصر مهم و سرنوشت ساز را به منظور تعالی و پیشرفت جامعه اسلامی، بر همگان واجب نموده است و پیوسته بر وحدت و همدلی که مایه سعادت و سیادت دنیا و آخرت است اسلامی است، تأکید فراوان دارد. و با تبیین شرایط و راهکارهای رسیدن به وحدت و بیان عواقب زیانبار تفرقه و اختلاف، حجت را بر آحاد مسلمانان تمام نموده است.

بمبارین، اتحاد و انسجام اسلامی یک نیاز ضروری است و حرکت در جهت وحدت یک تکلیف شرعی برای همگان به شمار می آید. دشمنان برای مبارزه با اسلام سعی در بزرگ نمایی اختلافها و دامن زدن به امور اختلاف برانگیز دارند تا بتوانند به مقاصد شوم خود دست یابند. از این رو، بر ما است اسلامی است که در سایه وحدت عقلی از این توطئه ها جلوگیری نموده، با تکیه بر مشترکات دینی و برهیز از اختلافهای مذهبی، نقشه های دشمنان را خنثی نماییم.

راهکارهای قرآن کریم را در این باره نصب العین خویش قرار دهیم تا جامعه در مسیر تعالی و سعادت راستین قرار گیرد.

مقصود از اتحاد و انسجام امت اسلامی

قبل از آنکه به بیان راهکارهای قرآنی درباره اتحاد و انسجام بپردازیم، باید منظور از آن روشن شود. آیا اتحاد امت اسلامی به معنای این است که برای رسیدن به اتحاد اختصاصاً را کنار بگذاریم و عملاً از بحثی از اعتقادات خود دست برداریم؟ قطعاً چنین نیست، زیرا این به معنای ترک بحثی از دین و یا کنار گذاشتن دین به خاطر دین است، در حالی که هیچ یک از علمایی که قابل به وحدت مسلمانان بوده و برای رسیدن امت اسلامی به وحدت تلاش نموده اند، چنین نگفته و به این حرف معتقد نبوده اند؛ زیرا چنین عقیده ای نه معقول و منطقی است و نه قابل اجرا.

قرآن کریم تأکید بسیاری بر اتحاد و دوری از اختلاف و تفرقه دارد و کسانی را که به فراع و درگیری دامن می زنند، مذمت می کند و برای رسیدن به حقانیت، مردم را به شیوه هایی دعوت می کند که به وحدت و حق دست یابند: «به راه پروردگارت آنها را بخوان به یکی از این سه راه: حکمت و استدلال، موعظه حسنه و جدال احسن» (نحل/ ۱۲۵). بیان عقاید به وسیله این سه راه در فضای دوستانه توأم با احترام و ادب، نه تنها مایه اختلاف نخواهد بود بلکه وحدت و نزدیکی هر چه بیشتر است اسلام را در پی خواهد

داشت، زیرا بسیاری از احتلاها و کینه ها به خاطر جهل است و دشمنان از این جهالت استفاده کرده و به آنها دامن می رند تا راحت تر به منافع و اهداف خود مایل شوند.

راهکارهای قرآنی اتحاد و انسجام

مهم ترین راهکارهایی که قرآن کریم در خصوص وحدت و اسجام مسلمانان ارائه نموده، عبارتند از:

۱. قرار گرفتن در لوای توحید

اولین، مهمترین و اصیل ترین راهکار وحدت آفرین قرآن کریم، دعوت به توحید است. با این وسعت دید، حتی امتهای دیگر نیز می توانند با امت اسلامی به وحدت و همدلی برسند، به شرط آنکه این اصل مشترک را در اعتقاد و عمل پذیرا شوند و دنبال اربابان منحرف خود نروند. قرآن می فرماید: «بگو: ای اهل کتاب! بیاید بر سر سحی که میان ما و شما مشترک است، بایستیم که چیز خدا را نپرستیم و کسی را با او شریک نکنیم و هیچ کس از ما دیگری را جای خداوند به خدایی نگیرد.» (آل عمران / ۶۴)

این آیه اهل کتاب را به وحدت و اتحاد با مسلمانان دعوت نموده است. مسیحیان هر چند به مباحثه تن ندادند، ولی این مسأله در روحیه آنها اثر زیادی گذاشت. به جهت همین آمادگی روحی، در این آیه به پیامبر اسلام(ص) دستور داده شده اهل کتاب را دعوت کند تا در نقاط مشترکی که با مسلمانان دارند، متحد شوند و در مقام عمل فقط خدا را پرستند. قرآن کریم به ما می آموزد که اگر کسانی حاضر نشدند در تمام ابعاد اسلام را بپذیرند، به آنها بگویید لافل در قسمتی که با شما نقطه مشترک دارند هماهنگی کرده و بی پیرایه به آن عمل کند. لذا پیامبر اکرم(ص) به اهل کتاب، ندای وحدت داده و می فرماید: «همه شما در اصل توحید، خود را با ما مشترک می دانید، بیاید این اصل مشترک را بدون هیچ گونه پیرایه ای زنده کنیم و توحید حالص را پایه عمل و شمار دین خود قرار دهیم.» (المیزان، ح ۳، ص ۲۷۰)

باین، قرار گرفتن در تحت لوای توحید برای تمامی پیروان ادیان توحیدی بخصوص امت اسلامی به عنوان اولین اصل و راهکار وحدت آفرین است که با تکیه بر آن می توان امت اسلامی را به اتحاد و اسجام واقعی مایل نمود.

۲. تبعیت از پیامبر اکرم(ص)

دومین راهکاری که قرآن کریم برای رساندن امت اسلامی به وحدت ارائه می دهد، تبعیت محص از رسول خداست. قرآن می فرماید: پیامبر هر سحی می گوید وحی الهی است. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (بجم / ۲) باین قرآن ادعان می دارد هنگامی که رسول خدا را اطاعت می کنید، در واقع خدا را اطاعت نموده اید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء / ۸۰)

و یا در فراری دیگر، پیروی از رسول در کنار پیروی از حق تعالی قرار گرفته است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و از رسول اطاعت کنید» (نساء / ۵۹)

اگر این راهکار جامه عمل به خود می پوشید، امروزه به معنای واقعی کلمه شاهد امت واحد اسلامی بودیم و اختلاف در اصول و سانی با توجه به دعوت قرآن کریم در اطاعت بی چون و چرا از رسول خدا، بی معنا می نمود.

۳. تمسک به ریمان الهی

قرآن کریم تمسک به ریسمان الهی را دستمایه وحدت آفرینی و راهکار رسیدن امت اسلامی به اتحاد و همدلی قرار داده و می فرماید: «به ریسمان الهی تمسک جویند و متفرق نشویند» (آل عمران / ۱۰۳).

اما درباره مقصود از حبل... و چگونگی تمسک به آن، اقوال و نظرات مختلفی نقل شده است.

رسول خدا (ص) درباره این آیه فرمود: حبل... که از آسمان به زمین کشیده شده، همان کتاب خداست. (الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰ به نقل از میزان، ج ۲، ص ۵۷۵)

در روایت دیگر، پیامبر اکرم (ص) فرمود: این قرآن سبب و رابطه ای است که یک طرفش دست خداست و طرف دیگرش به دست شماست. پس به آن تمسک کنید که نه هرگز از بین می رود و نه هرگز تا اندک گمراه می شوید. (همان)

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت است که فرمود: مراد از حبل... که خدای تعالی مردم را امر نموده تا به آن تمسک کنند (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ... جَمِيعًا) آل محمد (ع) است. (همان)

از مجموع این روایات و روایات دیگر به دست می آید که مراد از ریسمان الهی چند چیز است که عبارتند از: ۱ قرآن کریم ۲ شخص پیامبر ۳ ائمه (ع) ۴ دین اسلام

صاحب مجمع البیان پس از نقل این اقوال می گوید: همه اینها مراد است بخصوص با توجه به این روایت که ابوسعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «ای مردم، من دو ریسمان محکم بر شما یادگار نهاده ام که اگر به هر دوی آنها چنگ برنید، هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از دیگری بزرگ تر است و آن کتاب خدا قرآن است که از آسمان به زمین کشیده شده و دیگری عترت و اهل بیت من است و آن دو از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من در آیند.» (طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹)

در این آیه، از یک سو اعتصام به ریسمان الهی مورد امر قرار گرفته و از سوی دیگر از تفرقه و اختلاف نهی شده است و با کلمه «جَمِيعًا» تأکید می کند که همگان به این موضوع توجه داشته باشند. در ادامه نیز اختلاف و دشمنی را از بلاها می داند و می فرماید: شما بر اثر نبود ایمان با یکدیگر دشمن و به بلای اختلاف دچار بودید، اما خداوند بین قلوب شما الفت برقرار کرد و دوست و برادر شدید و از طرفی، توحید را مایه نجات از آتش می داند و می فرماید: شما بر لبه پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را از آن رهایی بخشید. (آل عمران / ۱۰۳)

و شاید دلیل اینکه حق تعالی تمسک به ریسمان وحدت بخش الهی را یکی از نعمتهای خود می داند و فرموده: «وَاذْكُرُوا بِنِعْمَتِ... عَلَيْنَا» این باشد که می خواهد بفرماید: اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می خوانیم، به این جهت است که شما به چشم خود پیامدهای اتحاد و اجتماع، و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید تا اینکه به موجب اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید. (محمد حسین طباطبایی، میزان، ج ۲، ص ۵۷۶)

آیه مذکور چنانکه مفسران آورده اند، در مورد اوس و حرح نازل شده که خداوند به برکت اسلام و قرآن و پیامبر اکرم (ص) اختلافها و خونریزی های صدساله آنها را پایان داد و عداوت و کینه و نفرت آنها را به رأفت و محبت بدل نمود.

گفته اند ووری دو نفر از قبیله اوس و حزرخ به نام ثعلبه بن غنم و اسعد بن زاره در برابر یکدیگر قرار گرفتند و هر کدام افتخارهایی را که بعد از اسلام نصیب قبیله او شده بود، بر می شمرد. ثعلبه گفت: خزیمه بن ثابت (ذوالنهادتین) و حطله (عسیل الملائکه) که هر کدام از افتخارات مسلمانانند، از ما هستند و همچنین عاصم بن ثابت و سعد بن معاذ از ما می باشند.

در مقابل، اسعد بن زاره که از طایفه حزرخ بود، گفت: چهار نفر از قبیله ما در راه نشر و تعلیم قرآن خدمت بزرگی انجام داده اند. ای بن کعب و معاذ بن جبل و زید بن ثابت و ابو زید به علاوه سعد بن عباده رئیس و حطیب مردم مدینه، از ماست.

لیدک اندک این حلال لفظی به نزاع و درگیری انجامید و چون قبیله دو طرف از جریان آگاه شدند، دست به اسلحه بردند و در برابر یکدیگر قرار گرفتند. بیم آن می رفت که بار دیگر آتش جنگ بین آنها شعله ور گردد. وقتی حبر به پیامبر (ص) رسید، حضرت بلافاصله به محل حادثه آمد و با بیان و تدبیر خاص خود به آن وضع خطرناک پایان داد و صلح و صفا را در میان آنها برقرار نمود. سپس این آیه شریفه نازل گردید و نعمت وحدت و اتحاد را به آنها گوشزد نمود و به آنان بالای خانمان سوز تفرقه را که قبلاً دچار آن بودند یادآوری کرد. (ناصر مکارم شیرازی، نمونه، ج ۳، ص ۲۶)

۴ روحیه برادری میان مؤمنان

قرآن کریم با ایجاد عقد اخوت میان مؤمنان، آنان را به یکدیگر نزدیک نموده و می فرماید: «همانا مؤمنان با هم برادرند، پس پیششان اصلاح نمایید.» (حجرات / ۱۰). از این رو، پیامبر (ص) اولین کاری که هنگام ورود به مدینه بعد از ساختن مسجد انجام داد، برقراری اخوت میان مسلمانان بود تا بدین وسیله اتحاد و همدلی را به آنها بیاموزد. آن حضرت (ص) می فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است، مانند جسم واحد؛ بطوری که اگر مصیبتی به یکی از آنها برسد، سایر اعضا از آن درد متألم می شوند و ارواح آنها یک روح است.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۴)

بنا بر این، ایجاد رابطه برادری و دوستی میان مؤمنان، از مهم ترین عوامل ایجاد و تحکیم وحدت مسلمانان است و نقش بسزایی در سالم سازی فضای جامعه و تحکیم بنیان آن دارد.

۵ جلوگیری از ایجاد اختلاف در جامعه

گذشته از اینکه قرآن کریم راهکارهایی را برای ایجاد اتحاد و وحدت ارائه می کند، از اختلاف و تفرقه نیز نهی می نماید و می فرماید: «و شما مانند کسانی نباشید که بعد از آنکه آیات روشن به سویشان آمد اختلاف کردند و دسته دسته شدند و آنان عذاب عظیم خواهد داشت.» (آل عمران / ۱۰۵)

قرآن کریم از ایجاد اختلاف به «طعیان» تعبیر می کند و می فرماید: «کسانی که می تواند اتحاد و همدلی ایجاد نماید ولی بعد از آمدن بیانات به اختلاف امت اسلامی دامن می زند، امنی باغی خواهد بود.» (شوری / ۱۲)

قرآن کریم در فرازی دیگر بعد از آنکه به اطاعت از خدا و رسول امر می کند، می فرماید: «اختلاف و نزاع نکنید که شکوه و عظمت شما را از بین می برد.» (انفال / ۲۶). اختلاف باعث می شود اراده شما ضعیف شود، عزت و دولت شما از بین برود، توان و نیرویتان به نابودی گراید و استعدادهای و فرصتها از بین برود.

تفاوتهای جامعه متحد و متفرق

با توجه به آیات و روایات، فرق بین جامعه متحد و جامعه متفرق را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

- ۱ جامعه متحد عزیز و نیرومند و پیروز و سر بلند است و جامعه متفرق شکست خورده و زبون.
- ۲ جامعه متحد گرچه ملت آن اندک باشد، قدرتمند و تواناست و جامعه متفرق اگر چه از نظر تعداد بسیار باشد، ضعیف و ناتوان است.
- ۳ اتحاد جامعه، نشانگر رهبری مقتدر و حکیم است و جامعه متفرق نشان دهنده فقدان چنین رهبری است.
- ۴ جامعه متحد برخوردار از رحمت و عنایت الهی است و جامعه متفرق محروم از عنایت و حمایت حق تعالی.
- ۵ جامعه متحد سعادت مند و رستگار است و جامعه متفرق در پردگاہ آتش.
- ۶ جامعه متحد در حال رشد و تعالی است و جامعه مشتت به سوی نابودی استعداها و تباهی امکانات مادی و معنوی گام بر می دارد.